



Critique of the Entry of David (A.S) in the Leiden Encyclopedia of the Quran (EQ) *

Samad Esmi Qayebashi^۱

Abstract

The entry of David (A.S) in the Leiden Encyclopedia of Quran was written by Isaac Hasson, a professor at the University of Jerusalem. The present study, after translating the entry with a descriptive-analytical method and with a critical approach, has criticized and evaluated the author's point of view to clarify the Orientalists' view on religious teachings and especially the Holy Quran and on the other hand to provide the audience with the opportunity to get acquainted with pure Islamic teachings by criticizing and evaluating the Orientalists' works. In this article, verses of the Quran and authentic Islamic narrations have been used to explain the scientific and practical life of Prophet David (A.S). The author of the article has mentioned some of the contents of the Quran about David, which are among its positive points, such as: He is the great prophet of God, God has given him knowledge, wisdom and rule along with the book of Psalms. The position of the Caliph of God and the "final decisive speech", the obedience of mountains and birds in the matter of praising God, the softening of iron by him. It is Divine grace to him. However, the author has considered the secret indications of the Quran as the reason for the entrance of the myth and its acceptance by Muslims and has attributed false accusations against David to Islamic sources. The request for forgiveness of Prophet David (A.S) in the Quran is related to the myth of his marriage, but pure Islamic sources do not mention any myths and false accusations against David (A.S) and there are rational and narrative reasons for the infallibility of David (A.S). False myths and slanders are among the Israelites mentioned in the present Torah. David's request for forgiveness is related to the Divine test, not the myth of his marriage; therefore, what has been accused and rejected by the Holy Quran and the Muslims' suspicion of the holy texts are the false accusations that have been made against David in the Bible.

Keywords: Orientalists, Leiden Encyclopedia of Quran, Prophet David (A.S), Prophets, Isaac Hossan

*.Date of receiving: ۱۵, July, ۲۰۲۰ - Date of correction ۳۱, October, ۲۰۲۱ - Date of approval: ۸, December, ۲۰۲۱.

- Assistant Professor and Faculty Member of the University of Holy Quranic Sciences and Studies, Qom ۱

(esmi۱۵۸۹@gmail.com)



نقد مدخل داود علیه السلام در دایرةالمعارف قرآن لیدن*

صمد اسمی قیه باشی^۱

چکیده

مدخل داود علیه السلام در دایرةالمعارف قرآن لیدن توسط «ایساک هسن» استاد دانشگاه اورشلیم نگارش یافته است. پژوهش حاضر بعد از ترجمه مدخل با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد انتقادی دیدگاه نویسنده را مورد نقد و ارزیابی قرار داده است با این هدف که از یک طرف دیدگاه مستشرقان درباره آموزه‌های دینی و به ویژه مباحث قرآن کریم روشن گردد و از طرف دیگر با نقد و ارزیابی آثار آنان زمینه آشنایی با آموزه‌های ناب اسلامی برای مخاطبان فراهم می‌گردد. در این نوشتار از آیات قرآن و روایات معتبر اسلامی در تبیین سیره علمی و عملی حضرت داود علیه السلام نیز بهره گرفته شده است. نویسنده مقاله به برخی مطالب قرآن درباره حضرت داود علیه السلام اشاره نموده که از نکات مثبت آن است، از جمله: او پیامبر بزرگ الهی است، خداوند در کنار کتاب «زبور»، به او علم و حکمت و فرمانروایی عطا نموده است. مقام خلیفة اللہی و «فصل الخطاب»، فرمان برداری کوه‌ها و پرندگان در امر ستایش خداوند، نرم شدن آهن به دست آن حضرت. از موهبت خداوند به اوست. اما اشارات سر بسته قرآن را عامل ورود افسانه و پذیرش آن توسط مسلمانان دانسته و تهمت‌های ناروا به حضرت داود علیه السلام را به منابع اسلامی نسبت داده است. طلب آمرزش حضرت داود علیه السلام در قرآن را با افسانه ازدواج او مرتبط دانسته است؛ اما منابع ناب اسلامی هیچ گونه افسانه و تهمت‌های ناروا به حضرت داود علیه السلام را بر نمی‌تابد و دلایل عقلی و نقلی بر عصمت حضرت داود علیه السلام وجود دارد. افسانه و تهمت‌های ناروا جزو اسرائیلیات بوده که در تورات کنونی آمده است. طلب آمرزش حضرت داود علیه السلام مربوط به امتحان الهی است، نه افسانه ازدواج او؛ بنابراین آنچه مورد اتهام و عدم پذیرش قرآن کریم و بدگمانی مسلمانان به متون مقدس شده است، تهمت‌های ناروایی است که نسبت به حضرت داود علیه السلام در کتاب مقدس روا داشته‌اند.

کلید واژگان: مستشرقان، دایرةالمعارف قرآن لیدن، حضرت داود علیه السلام، انبیاء، ایساک هسن

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۸/۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۷.

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، smi10589@gmail.com

مقدمه

حضرت داود علیه السلام در سرزمینی بین مصر و شام دیده به جهان گشود، او از نواده‌های حضرت یعقوب علیه السلام است، پدرش «ایشا» نام داشت. او صدسال عمر کرد که چهل سال از عمر خود را حکومت نمود (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۹۶۵ م: ۷۸/۱-۷۶؛ مجلسی، بحارالأنوار، ۱۴۰۳ق: ۱۴/۱۴-۱۵).

بر اساس بیان قرآن کریم، حضرت داود علیه السلام از پیامبران بزرگ الهی است. خداوند نام او را در کنار پیامبرانی که به ایشان وحی نموده است؛ یاد می‌کند (نساء/۱۶۳) و از «زبور» به عنوان کتاب آسمانی که مایه برتری ایشان نسبت به برخی از پیامبران گشته، نام می‌برد: ﴿وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا﴾ (اسراء/۵۵).

با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام: حضرت داود علیه السلام دارای صفات نیکو و پسندیده‌ای است که از جانب خداوند موردستایش قرار گرفته است. ایشان از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل بوده که حکومتی عظیم داشت و در آیات متعددی از قرآن مجید مقام والای او ستوده شده است. حضرت داود علیه السلام به دلیل دلوری و شجاعتی که در نبرد با دشمنان خدا از خود نشان داد. خداوند فرمانروایی، علم و حکمت بدو اعطا نمود و به مقام شامخ خلیفه‌اللهی بار یافت.

اما در کتب پیشینیان همچون تورات کنونی حضرت داود علیه السلام به عنوان یک حکمران و پادشاه معمولی معرفی شده است نه عنوان پیامبر خدا. در برخی موارد تهمت‌های ناروایی بدو نسبت داده‌اند که در شأن یک انسان عادی نیز قابل پذیرش نیست چه برسد به پیامبر الهی.

ایساک هسن (Isaac Hasson) استاد دانشگاه عبری اورشلیم نویسنده مقاله حضرت داود علیه السلام در دایرة المعارف قرآن لایدن است (Isaac Hasson, David,ency,v.1:۵۳۳-۵۳۵) (برخی از مدخل‌های دایرة المعارف قرآن لایدن نیز توسط وی نگارش یافته است که عبارت‌اند از: مقاله مصر (egypt) (ency,v.۲:۱۴-۱۵)، روز آخرت (last judgment) (escy,v.۳:۱۴۰-۱۴۴)، یمین و یسار (left hand and right hand) (ency,v.۳:۱۷۶-۱۸۰) (برای اطلاع بیشتر درباره موضوعات مدخل‌های دایرة المعارف قرآن لایدن مراجعه شود به: رضایی، موضوعات و بایسته‌های پژوهش در حوزه قرآن و مستشرقان، ۱۳۸۸: ۲۱۰-۱۸۸).

نویسنده سعی نموده است؛ دیدگاه قرآن کریم را درباره حضرت داود علیه السلام بیان نماید؛ اما بر دیدگاه و اشکالاتی وارد است که در این پژوهش پس از ترجمه مقاله، موردبررسی و نقد قرار خواهد گرفت.



ترجمه مقاله

حضرت داود علیه السلام، پادشاه بنی اسرائیل ۱۶ بار در قرآن به او اشاره شده است. در قرآن داود علیه السلام حلقه‌ای از زنجیره‌ای پیامبران مقدم بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله است (نساء/۱۶۳ و انعام/۸۴) اگرچه او از پیامبران صاحب شریعت (اولوالعزم) نیست اما چهره کم‌اهمیت نیز به شمار نمی‌رود. داود کتاب آسمانی مکتوبی به نام زبور را دریافت نموده بود (نگاه کنید به سوره‌های نساء/۱۶۳؛ اسراء/۵۵) کوه‌ها و پرندگان داود علیه السلام را در ستایش خداوند فرمان‌برداری می‌کردند (نگاه کنید به انعام/۷۹؛ سبأ/۱۰).

داود علیه السلام جالوت را کشت و خداوند بعد از طالوت به او فرمانروایی و حکمت داد. گاهی این چیزی که خدا به او داده که به‌عنوان موهبت نبوت تفسیر می‌شود. خداوند به داود و به پسرش سلیمان علیه السلام علم اعطا کرده است (نمل/۱۵) که در این مورد گاهی به قدرت درک زبان پرندگان و حیوانات از آن تعبیر می‌شود. او به جانشینی خداوند در زمین منسوب شد (خلیفة فی الارض، ص/۲۶) که این عنوان فقط به او و حضرت آدم علیه السلام اعطا شده است. داود علیه السلام کافران بنی اسرائیل را نفرین کرد (مائده/۷۸).

مفسران عموماً این آیه را به آیه ۱۶۶ اعراف مرتبط دانسته‌اند: «بوزینگانی باشید رانده شده» (برای نمونه طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۳/۲۳۱).

به او توانایی تشخیص حق و باطل (فصل الخطاب) در امر قضاوت داده شد (ص/۲۰)؛ خداوند آهن را برای او نرم کرد و به او ساختن زره را یاد داد تا از این طریق امرار معاش کند. داود فهمید که خداوند او را امتحان کرده است. سپس نماز خواند و توبه کرد و خداوند او را بخشید و مورد مغفرت قرار داد (ص/۲۵ - ۲۴).

مفسران، رحمت و بخشایش الهی را به قصه کتاب مقدس درباره بت‌شعب و اوریاہ مربوط دانسته‌اند، ولی در قرآن برخلاف تورات هیچ اشاره‌ای صریحی به بت‌شعب و اوریاہ و یا زنان دیگر داود و یا به آبسالوم و یا پسران دیگر داود به جز سلیمان نشده است. از اقامت داود در حبرون و بیت المقدس و درگیری‌های او در فلسطین نیز هیچ سخنی به میان نمی‌آید.

سوره صاد به سوره داود نیز نام‌گذاری شده است. مفسران شرح می‌دهند که داود به هنگام آمرزش خواستن از خداوند به سجده رفت و به همین خاطر به حضرت محمد صلی الله علیه و آله دستور داده شد که از او پیروی کند و هنگامی که این سوره را تلاوت می‌کرد، سجده به جا بیاورد.

برخی اشارات سربسته قرآن، راه را برای ورود انبوهی از افسانه‌های یهودی و مسیحی درباره داود باز



کرد که به آسانی در دسترس بودند، به ویژه تفسیرهای وعظیه کتاب مقدس مدراس و افسانه‌های دینی یهودیان آگادا جلوه چشمگیری در تفسیر قرآن و متون نوظهور قصص الانبیا یافتند. یکی از مؤلفان صدر اسلام به نام وهب بن منبه از منابع مهم روایات مربوط به داود به کار می‌رفت.

تصویر داود در تفاسیر متأخر دقیقاً مشابه با تصویر او در آن دسته از منابع یهود است که در آن‌ها داود کاملاً مبرا از هرگونه گناه معرفی شده است. منابع یهود مانند کتاب‌های تواریخ ایام، میشنا و تلمود و آگادا. این قبیل روایات با آموزه‌های اسلامی عصمت پیامبران که در قرن‌های دوم و سوم هجری بسط پیدا کرده‌اند؛ سازگاری داشته و نویسندگان مسلمان هم همین الگو را سرمشق خود قرار داده‌اند؛ مثلاً در روایات اسلامی بت شعیب نامزد اوریاه است، ولی هنوز با او ازدواج نکرده است. داود از او خواستگاری کرد و والدین او داود را به اوریاه ترجیح دادند، چون داود پادشاه؛ اما اوریاه یک جنگجو بود.

نقل و قول‌های دیگری درباره این داستان گفته‌اند که بت شعیب طلاق گرفت یا بیوه بود و اوریاه یک لحظه زنده شده بود تا به داود بگوید که او را بخشیده است، نه به خاطر این که او را روانه مرگ کرده است، بلکه به خاطر این که با بیوه او ازدواج کرده است. خداوند داود را مورد بخشش خود قرار داده است. قصه‌گویان مسلمان این افسانه‌ها را پذیرفته‌اند و تصویر قدیمی تر داود را از کتاب سموئیل و کتاب پادشاهان مردود شمرده‌اند که در آن‌ها داود به زنا محصنه و قتل عمد متهم شده بود.

به نظر می‌رسد، این قبیل تغییرات کلی در نگرش به داود و دیگر چهره‌های کتاب مقدس در منابع یهودی یکی از مبانی و پایه‌های تهمتی است که در قرآن به یهودیان زده شده است که این‌ها کتاب مقدس را تحریف کرده‌اند.

چهره داود در نزد جریان‌های مختلف مسلمانان متفاوت است. جوامع رسمی حدیثی اهل سنت که در قرن سوم هجری جمع‌آوری شده‌اند، به شدت مخالف استفاده از روایات منابع یهودی و همه داستان‌هایی است که ذکر شده است را نادیده گرفته‌اند. داود در این منابع با نمازها و روزه‌هایش، با نغمه‌ها و کارهایش آشکار می‌شود. از طرف دیگر روایات شیعه بر عصمت کامل داود اصرار دارند و اهل سنت را به خاطر روایاتی که داود را به‌عنوان یک چهره غیر معصوم معرفی کرده، نکوهش نموده‌اند. بالاخره صوفیان، داود را نماد زهد دانسته‌اند و نیایش‌های پرهیزگاری و سخنان و افسانه‌های مربوط به توبه او را دهان‌به‌دهان نقل کرده‌اند. داود به‌عنوان یک نماد پارسایی در میان صوفیان تبدیل شده است. هم‌چنین روایات مربوط به داود یک بخش جدایی‌ناپذیر از همه کتاب‌هایی است که اهمیت و قداست

بیت المقدس را مورد ستایش قرار می دهند (Isaac Hasson, David, Encyclopaedia of the Quran, ۴۹۶-۴۹۵, V.۱: P.۲۰۰۱).

نقد و بررسی

ارزیابی مدخل «داود» در دایرةالمعارف قرآن لایدن در دو بخش انجام می گیرد: بخش اول، مربوط به نکات مثبت و بخش دیگر نکات ضعف و نقدهایی که بر محتوایی مقاله وارد است.

الف. بررسی نکات قوت مقاله

۱- ارائه نظر قرآن کریم درباره برخی ویژگی های داود علیه السلام در این مقاله از نکات قوت آن است و اینکه ایشان چهره ای پراهمیت در قرآن شمرده شده اند. نویسنده مقاله سعی کرده است، نظر قرآن کریم را درباره حضرت داود علیه السلام به درستی منعکس کند. از جمله اینکه داود علیه السلام از پیامبران الهی بوده و دارای کتاب آسمانی به نام زبور است (Ibid).

۲- کوهها و پرندگان داود را در ستایش خداوند فرمان برداری می کردند، این مطلب می تواند اشاره به مقام شامخ آن پیامبر بزرگ در ستایش و نیایش خداوند باشد. اعطای علم و حکمت و مقام خلیفة اللہی و هماهنگی و همراهی موجودات با آن حضرت در نیایش خداوند، قدرت تشخیص حق و باطل در امر قضاوت و نرم شدن آهن در دست او، همه این موارد می تواند دلیل بر گستره حکومت او باشد (Ibid).

۳- اشاره نمودن به برخی منابع یهودی مانند کتاب های تواریخ ایام، میشنا و تلمود و آگادا که حضرت داود را مبرا از هرگونه گناه معرفی کرده است، از دیگر نکات مثبت این مقاله است، ولی از این جهت که مطلب را بدون آدرس دقیق ارائه می دهد، اشکال وارد است (Ibid).

۹- نویسنده سعی کرده است دیدگاه های مختلف مسلمانان را درباره حضرت داود بازتاب دهد، اشاره به عصمت مطلق حضرت داود علیه السلام و موقعیت والای دینی آن حضرت از نظر شیعیان یکی دیگر از نکات مثبت این مقاله است (Ibid).

ب بررسی نکات ضعف مقاله

بخش مهم این پژوهش، نقد و بررسی برخی ادعاهای نویسنده درباره قرآن کریم و به ویژه حضرت داود علیه السلام است که مورد ارزیابی قرار می گیرد.



۱- اقتباس و تأثیرپذیری قرآن و منابع اسلامی از کتاب مقدس

اشکال اساسی که بر مقاله مذکور و برخی آثار دیگر خاورشناسان وارد است، این است که با پذیرش افسانه‌ها و قصه‌های دروغین در کتاب مقدس، سعی دارند، قصه و داستان‌های قرآن کریم را نیز افسانه و نمادین و غیرواقعی جلوه دهند و آن را برگرفته و یا تأثیرپذیرفته از کتاب مقدس و تفسیرهای آن بدانند.

دیدگاه «ایساک هسن» نویسنده مقاله داود، با اعتقاد غالب اندیشمندان خاورشناس درباره وحی و به‌ویژه قصه‌های قرآنی همخوانی و هم‌سوئی دارد. آنان وحی بر پیامبران را املای الهی نمی‌دانند، بلکه آن را الهامی از جانب روح القدس برمی‌شمارند، در نظر بسیاری از آنان کتب مقدس دارای دو مؤلف است: یکی الهی و دیگری بشری (میشل، کلام مسیحی، ۱۳۸۱: ۱۶۳).

ایساک هسن هرچند که به اقتباس و یا تأثیرپذیری قرآن تصریح نمی‌کند؛ اما به تأثیرپذیری منابع اسلامی از تفسیرهای وعظیه کتاب مقدس مدراس و افسانه‌های دینی یهودیان آگادا تصریح نموده است (Isaac Hasson, David, Encyclopaedia of the Quran, ۲۰۰۱, V.۱: P. ۴۹۶).

آنجلیکا نویورت خاورشناس دیگری است که در آثار متعددی قصه‌های قرآنی را افسانه و نمادین معرفی کرده است (محمدی و فاضلی، نقد مقاله اسطوره‌ها و قصه‌ها در قرآن، ۱۳۹۹: ۳۹). او درباره حضرت سلیمان و داود علیهما السلام در قرآن نوشته است: حکمرانی حضرت داود بر پرندگان و مسخر شدن کوه‌ها به وسیله او و فهمیدن زبان پرندگان و مورچه توسط حضرت سلیمان نمادین و غیرواقعی هستند (نویورت، دایرةالمعارف قرآن، ۱۳۹۲: ۱/ ۲۶۳ - ۲۶۴).

نقد و بررسی

در نقد تأثیرپذیری قرآن می‌توان گفت: نخست اینکه، قرآن کریم به‌عنوان وحی الهی در مواجهه با آثار پیشینیان، به‌ویژه کتاب مقدس برخورد مختلف داشته است. در عقاید خرافی و شرک‌آلود و هم‌چنین در تهمت‌های ناروا به شخصیت بزرگ انبیاء و غیره برخورد انکاری داشته است؛ بنابراین فرهنگ قرآن با فرهنگ زمانه در مواردی زیاد در تضاد آشکار است، خصوصاً در آن دسته از باورها و اخلاقیات و آداب و رسوم آنان که با خرافات و اوهام همراه بوده است (معرفت، قرآن و فرهنگ زمانه، ۱۳۹۰: ۱۰)؛ و در برخورد با مسائلی که ارزش‌های انسانی و اصول قرآنی موافق بوده، آن را امضاء و تأیید نموده و در برخی امور که ریشه در ادیان ابراهیمی داشته؛ اما در جزئیات دچار تغییر شده درصد اصلاح و تکمیل آن برآمده است (رضایی اصفهانی، بررسی دیدگاه خاورشناسان درباره تأثیرپذیری



قرآن از فرهنگ زمان، ۱۳۸۳: ۲۲)؛ دوم، مشترکاتی که در معارف و احکام و اخلاق و به‌ویژه درباره قصه و داستان‌های انبیاء علیهم‌السلام میان قرآن کریم و کتاب مقدس وجود دارد. قرآن کریم آن را تأیید و یا امضاء نموده است، بیانگر این است که سرمنشأ و منبع همه کتب آسمانی وحی الهی بوده و مسائل مشترک میان آنان امر طبیعی است و نکته دیگر اینکه وجود مسائل مشترک و تأیید و امضای آنان به‌وسیله قرآن کریم روشنگر این است که آن مسائل به‌درستی و بدون تحریف در کتاب مقدس بازتاب یافته است؛ بنابراین وجود مسائل مشترک میان قرآن کریم و کتاب مقدس به‌هیچ‌وجه به معنای اقتباس قرآن از آنان نیست.

۲ - اشارات سر بسته قرآن عامل ورود افسانه‌ها

نویسنده مدعی است، نیاز به توضیح برخی اشارات سر بسته قرآن، عامل ورود انبوهی از افسانه‌های یهودی و مسیحی درباره داود علیه‌السلام شده است. در بخش دیگر مقاله درباره کلی‌گویی قرآن درباره حضرت داود علیه‌السلام نوشته است:

«قرآن برخلاف تورات، هیچ اشاره صریحی به بت‌شعب و اوریا و یا زنان دیگر داود و یا به آبشالوم و یا پسران دیگر داود به‌جز سلیمان نکرده است. از اقامت داود در حبرون و بیت‌المقدس و درگیری‌های او در فلسطین نیز هیچ سخنی به میان نمی‌آید.» (Isaac Hasson, David, Encyclopaedia of the Quran, ۲۰۱۰, ۱/۴۹۶).

نقد و بررسی

اول. قرآن کریم کتاب هدایت است و برای رسیدن به این هدف از روش و اسلوب‌های متعددی بهره برده است و یکی از این‌ها بیان سرگذشت انبیاء سلف علیهم‌السلام و امت آن‌هاست؛ و به‌قدر و اندازه‌ای از فرازهای مهم داستان برخی انبیاء و امتشان را متذکر شده است که نیاز و ضرورت ایجاد می‌کرد و یا نیاز به عبرت‌گیری و یا اسوه و الگوپذیری داشته است. طبق تصریح قرآن کریم داستان برخی انبیاء را خداوند حکیم در قرآن بازگو نموده و برخی دیگر را بیان نکرده است. ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ﴾ (غافر/۷۸)؛ «ما پیش از تو رسولانی فرستادیم، سرگذشت گروهی از آنان را برای تو بازگفته و گروهی را برای تو بازگو نکرده‌ایم»؛ بنابراین درست است که قرآن کریم بهترین سخن است: ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ﴾ (زمر/۲۳)؛ «خداوند بهترین سخن را نازل کرده است.» و بهترین قصه‌ها را بازگو نموده است: ﴿تَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ﴾ (یوسف/۳)؛ «ما بهترین سرگذشتها را از طریق این قرآن- که به تو وحی کردیم- بر تو بازگو می‌کنیم»؛ اما بر خلاف



تصور نویسنده مقاله، کتاب قصه و داستان نیست که به تمام جزئیات داستان‌ها بپردازد و اسامی اشخاص، نام زنان و فرزندان پیامبران را بازگو نماید؛ بنابراین در بیان و تشریح داستان حضرت داود علیه السلام نیز این گونه بوده است. البته این نکته را باید اضافه کرد که جزئیات داستان‌های برخی انبیاء: در روایات معتبر اسلامی آمده است.

دوم. قرآن به عنوان پیام هدایت الهی برای انسان، همه ساحت‌های حیات مادی و معنوی را در برمی‌گیرد. در این کتاب جامع، تمام قلمروهای زندگی مادی و معنوی، فردی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، دنیایی و آخرتی جمع شده است. طبیعی است که این همه نمی‌تواند در یک کتاب به صورت تفصیلی بیان گردد، بلکه ناگزیر می‌بایست، اصول کلی و خطوط محوری و راهگشا و نقشه اساسی به عنوان متن تغییرناپذیر به شمار آید و تفصیل و تبیین فروع آن بر عهده پیامبر و جانشینان راستین و معصوم او و عقل و درایت خود مردم با بهره‌گیری از شیوه تعلیمی آن راهبران الهی واگذار گردد (سعیدی روشن، علوم قرآنی، ۱۳۷۹ ش: ۲۲۶).

سوم. اگر قرآن کریم مطالب را سربسته و یا به عبارت دیگر به اجمال بیان کرده باشد؛ جایی دیگر تبیین و تفسیر آن را گفته و یا اگر عبارت و آیه‌ای از قرآن بر مخاطب از متشابهات باشد، محکمت آن را در جایی دیگر بیان نموده است. ارجاع متشابهات به محکمت از خصایص ویژه این کتاب الهی است که در سوره آل عمران آیه هفت بدان تصریح نموده است.

چهارم. قرآن کریم علاوه بر این که تصدیق‌کننده کتب آسمانی پیشین است. *مُهْمِین* بر آن‌هاست ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهْمِينًا عَلَيْهِ﴾ (مائده/۴۸)؛ «و این کتاب [قرآن] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می‌کند و حافظ و نگاهبان آن‌هاست»؛ بنابراین اگر مشترکاتی میان عهدین و قرآن وجود داشت، بیانگر این است که آن مطالب به درستی در کتب عهدین موجود انعکاس یافته است و اگر در جایی کتب عهدین با قرآن کریم در تعارض بود و مخالفت داشت. قرآن کریم بر آنان ترجیح خواهد داشت و معیار صحت و سقم با قرآن خواهد بود.

۳- بررسی تهمت‌های ناروا به حضرت داود علیه السلام در منابع اسلامی

نویسنده مقاله سعی کرده است، در کنار بیان برخی حقایق درباره حضرت داود ۷ از نظر قرآن کریم، تهمت‌های ناروا به ساحت مقدس این پیامبر بزرگ را به منابع اسلامی نسبت دهد، در این مقاله آمده است:



«در روایات اسلامی بت‌شعب نامزد اوریاہ است، ولی هنوز با او ازدواج نکرده است. داود از او خواستگاری کرد و والدین او داود را به اوریاہ ترجیح دادند، چون داود پادشاه، ولی اوریاہ یک جنگجو بود.» (Isaac Hasson, David, Encyclopaedia of the Quran, ۲۰۰۱, ۱/۴۹۶).

نویسنده در ادامه نقل‌های مختلف این داستان از جمله: روانه مرگ نمودن اوریاہ و تصاحب کردن بیوه او (بت‌شعب) توسط داود را به روایات اسلامی نسبت داده و گفته است:

«قصه‌گویان مسلمان این افسانه‌ها را پذیرفته‌اند» (Ibid).

برخی خاورشناسان دیگر نیز افسانه ازدواج داود را به مفسران مسلمان نسبت داده‌اند که به نظر می‌رسد، نویسنده مقاله از خاورشناسان دیگر در این باره تأثیر پذیرفته است. در مدخل داود در دایرة المعارف قرآن (الیور لیمن) چنین آمده است:

«از نظر مفسران مسلمان داود زنان زیادی داشت و نام یکی از آن‌ها اوریاہ مادر سلیمان است که برخی گفته‌اند داود صد تا زن داشته است.» (The Qur'an: an Encyclopedia, p. ۱۷۰-۱۶۹)

نقد و بررسی

نویسنده مقاله تهمت‌هایی ناروایی که به حضرت داود علیه السلام زده شده است؛ آن را به منابع اسلامی و مفسران مسلمان نسبت داده است؛ که در دو بخش نقد و بررسی خواهد شد. بخش اول: بررسی عصمت حضرت داود علیه السلام و بخش دوم، بررسی سرمنشأ اصلی داستان افسانه ازدواج.

بخش اول: بررسی دلایل عصمت حضرت داود علیه السلام

عصمت حضرت داود علیه السلام از دوراه قابل اثبات است: دلایل عقلی و دلایل نقلی

۱- دلایل عقلی

بر اساس سیره عقلا آنچه سبب می‌شود تا گناهی صورت گیرد، جهل و نادانی و غلبه شهوت و هوس است؛ اما انبیای الهی به خاطر علم و آگاهی و ارتباط با منبع وحی و تقوای الهی، جهل و نادانی و شهوت و هوس نمی‌تواند بر آن‌ها غلبه پیدا کند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۶ ش: ۱۹۰/۷).

دلیل عقلی دیگر بر عصمت انبیاء: این است که تا مردم هیچ شک و تردیدی نسبت به سخنان و تعلیمات انبیا نداشته باشد؛ چنانچه پیامبری خبط و خطایی از وی سرزند، اعتماد مردم نسبت به او از میان می‌رود. دیگر انگیزه‌ای برای پیروی کردن مردم از ایشان وجود ندارد (همان: ۱۹۰/۷).

هرگاه درباره پیامبران احتمال دروغ بدهیم، در این صورت از آن‌ها سلب اطمینان می‌شود؛ زیرا هیچ‌گاه مطمئن نخواهیم بود، آنچه می‌گویند، راست است و در نتیجه هدف الهی از بعثت پیامبران که

پیروی از آن‌ها است، تأمین نمی‌گردد (سبحانی، تفسیر آیات مشکله قرآن، ۱۳۹۵ ش: ۱۲۵).
آیت الله جوادی عاملی نوشته است: عصمت با شرک و گناه سازگار نیست. مقام نبوت مقامی است که صاحب آن حقیقت و باطن گناه را می‌بیند؛ و در ادامه فرمودند: گناه همچون مار سمی جلوه می‌نماید که هیچ‌گاه انسان عاقل به آن دست نمی‌یازد؛ بنابراین انبیا: درون گناهان را به صورت مار و عقرب می‌بینند (جوادی آملی، سیره پیامبران در قرآن، ۱۳۸۹ ش: ۶۱ - ۶۰).

۲- دلایل نقلی

الف) آیات قرآن

از برخی آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که باید از انبیاء الهی: به طور مطلق اطاعت نمود: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (نساء/۶۴)؛ «ما هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر برای این‌که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود.» در این وجوب اطاعت، هیچ قید و شرطی نیاورده، پس معلوم می‌شود، اطاعت کردن از رسول خدا ﷺ، آن‌هم به طور مطلق همان اطاعت کردن از خدا است، چون خود خدا دستور داده است که رسول را اطاعت کنید (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰ ق: ۴/۴۰۴).

در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ اِقْتَدِهْ﴾ (انعام/۹۰)؛ «آن‌ها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده، پس به هدایت آنان اقتدا کن.» طبق این آیه انبیای الهی: به حتم از طرف خدا هدایت یافته‌اند و در چنین افرادی هیچ عامل گمراه‌کننده‌ای نمی‌تواند راه یافته یا اثر گذارد: ﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ﴾ (اسراء/۹۷)؛ «هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست» در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ﴾ (زمر/۳۷)؛ هر کس را خدا هدایت کند، هیچ گمراه‌کننده‌ای نخواهد داشت» و چون هر معصیتی گمراهی است، ساحت مقدس آنان از صدور معصیت و خطای در فهم و نگهداری و رساندن وحی منزه است (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۹ ش: ۱۰/۶۳۴).

بنابراین تهمت‌های ناروا به حضرت داوود علیه السلام با آیات قرآن کریم در تعارض است. بر اساس آیات قرآن کریم حضرت داوود علیه السلام از انبیای الهی است و دارای خصوصیات برجسته‌ای است که او را شایسته مقام خلیفه‌اللهی کرده است. او اهل دعا و مناجات با خدا، اهل توبه و بازگشت به خدا، عادل، شکرگزار، شجاع در برابر دشمنان، اهل احسان و نیکوکاری است (بقره/۲۵۱؛ انعام/۸۴؛ نمل/۱۵ و ۱۶؛ سبأ/۱۰ و ۱۳؛ ص/۱۷ - ۲۶) در این نوشتار به سیره عملی حضرت داوود ۷ و عطایای ویژه او از نظر قرآن کریم پرداخته خواهد شد.



ب) روایات

حضرت داود علیه السلام در مکتب اهل بیت: به طور مطلق به عنوان اسوه و الگوی نیکی معرفی شده است و بر عصمت مطلق او تأکید و تصریح شده است.

در حدیث طولانی از امام رضا علیه السلام در مناظره با علی بن جهم آمده است که آن شخص افسانه داستان ازدواج حضرت داود علیه السلام با زن اوریا به نقل می کند، امام علیه السلام سخت ناراحت شده و آیه استرجاع ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره/۱۵۶)؛ را خواند و فرمودند: شما پیامبری از پیامبران خدا را به سستی در نمازش نسبت داده اید تا آنجا که به دنبال پرنده ای رفت، سپس او را به فحشاء و بعد از آن به قتل انسان بی گناهی متهم ساختید. امام علیه السلام در ادامه بر ساحت مقدس حضرت داود علیه السلام تأکید نموده و به تشریح قضاوت و خلافت آن پرداخته است و درباره چگونگی ازدواج حضرت داود علیه السلام با زن اوریا به فرمودند: در زمان داود علیه السلام زنانی که شوهرانشان از دنیا می رفت یا کشته می شد، هرگز ازدواج نمی کردند و این منشأ مفاسد فراوانی بود. نخستین کسی که خداوند این کار را برای او مباح کرد، حضرت داود علیه السلام بود تا این سنت شکسته شود و زنان شوهر ازدست داده از بلا تکلیفی درآیند، پس حضرت داود علیه السلام بعد از آنکه اوریا به حسب تصادف در یکی از جنگ ها کشته شد، همسرش را به عقد خود درآورد و این عمل بر مردم آن زمان سنگین آمد و به دنبال آن افسانه ها به هم بافته شده و تمام شایعات از همین جا نشأت گرفت (ابن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا، ۱۴۰۴ ق: ۱/۱۷۱).

در روایتی دیگر ابوبصیر از امام صادق علیه السلام پرسید: مردم پیرامون حضرت داود علیه السلام و اوریا مطالب متناقضی را بر زبان می آورند، حضرت در پاسخ فرمودند: این داستان ها ساخته اهل عامه است و امامیه در آن نقشی ندارند (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ ق: ۱۴/۲۶).

از روایات معصومین: دو نکته قابل برداشت است:

نخست این که تمام انبیاء: به طور مطلق معصوم هستند و هیچ خطایی از آنان سر نمی زند و حضرت داود علیه السلام نیز این گونه بوده است.

دوم، بر اساس روایت امام رضا علیه السلام، داستان ازدواج حضرت داود علیه السلام یک سنت شکنی قومی بوده است که به دستور خداوند انجام یافته است؛ همان گونه که ازدواج پیامبر اکرم علیه السلام با زن مطلقه زید نیز یک سنت شکنی جاهلی بوده است که به دستور خدا انجام گرفت (احزاب/۳۷).



بخش دوم: بررسی منابع درباره افسانه ازدواج

الف نقل از منابع غیر معتبر

نویسنده افسانه ازدواج را فقط از کتاب «مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان» سبط ابن جوزی نقل کرده است، نه از منابع معتبر اسلامی. درباره عقیده و مذهب وی دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است (عالم‌زاده، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۳ ش: ۴۸/۳). ابن جوزی با وجود این که تألیفات زیادی داشته است؛ اما ذهبی درباره او گفته است:

«در تصانیف او غلط‌های بسیاری دیده می‌شود، سخنان بی‌اساس در آثارش مشاهده می‌شود و آن قدر تألیف کرده که اگر عمری دوباره یابد، نمی‌تواند آن‌ها را اصلاح و بازنویسی کند.» (همان: ۲۷۴/۳).

این افسانه دروغین و جعلی از هیچ منابع ناب اسلامی بر نمی‌تابد. بلکه از جمله اسرائیلیات است که در متون برخی پیروان مکتب خلفا نیز راه یافته است که در ادامه بحث هم به سرمنشأ و منبع اصلی این داستان دروغین و هم دیدگاه مفسران مسلمان پرداخته خواهد شد تا حقیقت بر مخاطبان روشن گردد.

ب. اختلاف دیدگاه مفسران فریقین درباره افسانه ازدواج

نویسنده مدعی است که داستان افسانه را مفسران مسلمان پذیرفته‌اند؛ اما در نقد دیدگاه وی باید گفت: درباره داستان خرافی و باطل تورات در مورد حضرت داود علیه السلام مفسران فریقین دیدگاه‌های مختلفی در تفاسیر خود مطرح کرده‌اند:

مفسران پیرو مکتب اهل بیت: تمام انبیاء: را از گناه و خطا مصون دانسته و به عصمت مطلق آنان معتقدند. طبرسی این خرافه را به شدت انکار نموده و می‌گوید: داستان عاشق شدن حضرت داود علیه السلام سخنی است که هیچ تردیدی در فساد و بطلان آن نیست؛ چراکه این امر نه تنها با عصمت انبیاء ناسازگار است، بلکه حتی با عدالت یک فرد عادی نیز منافات دارد (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۸۰ ش: ۹۲/۲۱).

علامه طباطبایی به نقل و نقد این داستان پرداخته و می‌فرماید: همان طور که در برخی از تفاسیر اشاره شده است، داستانی که در روایت نام برده آمده، ریشه در تورات تحریف شده دارد و نباید به آن‌ها اعتماد نمود. با این تفاوت که نقل تورات از این هم بدتر و رسواتر است و معلوم می‌شود، دست‌های پلید و مرموزی که این روایات را وارد احادیث اسلامی و تفاسیر قرآنی نموده‌اند؛ سعی کرده‌اند تا



اندازه‌ای عبارات تورات را تعدیل کنند تا با روح اسلام سازگارتر افتد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰ ق: ۱۷/۳۰۱).

آیت‌الله معرفت نوشته است: قوم یهود این‌گونه با قداست داود پیامبر علیه السلام بازی کرده و با تهمت بی‌عفتی زشت‌ترین وصله‌ها را به ایشان زده‌اند؛ اما در قرآن ساحت پیامبران از این زشتی‌ها و پلشتی‌ها در امان مانده و از داود علیه السلام به‌عنوان پیامبری تسبیح‌گو و شکرگزار و بسیار توبه‌کننده یاد شده است (معرفت، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، ۱۳۸۸ ش: ۱۰۸).

این تعبیرات شرم‌آور تورات درباره‌ی حضرت داود علیه السلام و آنچه در غالب برخی روایات اسلامی وارد حوزه تفسیر قرآن گردیده است، نشان می‌دهد که چگونه برخی عناصر مغرض با کپی‌برداری از افسانه‌های خرافی تورات‌نویسان، سیمای روحانی و معنوی انبیا را مسخ نموده و شأن‌الای آنان را به پست‌ترین مراتب و درجات تنزل داده‌اند.

چگونه می‌توان پیامبران الهی که امنای وحی خداوند و فرستادگان او به‌سوی بندگانش بودند، دارای صفتی باشند که اگر یک انسان معمولی متصف بدان باشد، دیگر شهادتش پذیرفته نمی‌شود. درحالی‌که ایشان امین بر وحی و سفیران خدا در میان مردم هستند و چگونه قابل قبول است، آن‌ها ویژگی‌هایی داشته باشند که شنیدن و پذیرفتن آن نفرت‌آور باشد، آری ساحت پیامبران الهی از چنین نسبت‌های ناروایی پاک و پیراسته است (موسوی، تنزیه الأنبياء، ۱۴۰۹ ق: ۱۳۰).

هیچ‌کدام از این اقوال نسبت به مقام انبیاء روا نیست، چراکه این سخنان یا گناه و معصیتی را به داود علیه السلام نسبت می‌دهند و یا دربردارنده‌ی اموری هستند که طبع آدمی از قبول آن‌ها روی‌گردان است، هرچند مستلزم گناهی نباشد؛ اما این‌که گفته‌اند داود علیه السلام به خاطر نگرستن به زنی در حین قضاوت و شیفته شدن به او، از نوافل و مستحباتی که بر خود واجب کرده بود، بازماند و بدین جهت مورد سرزنش الهی قرار گرفت. باید گفت: چگونه می‌توان این داستان را پذیرفت درحالی‌که بر طبق این فرض اصولاً خطائی که وی را مستحق سرزنش و عتاب الهی نماید، از او سر زده است؛ اما این‌که گفته‌اند ایشان اوریاه را به جنگ فرستاد تا به قتل برسد بطلاش به قدری روشن است که نیازی به دلیل ندارد (موسوی، تنزیه الأنبياء، ۱۴۰۹ ق: ۱۳۱).

برخورد پیروان اهل سنت با داستان افسانه‌ای حضرت داود علیه السلام مختلف است، برخی با پذیرش اسرائیلیات، سعی در توجیه عمل حضرت داود علیه السلام هستند و برخی دیگر با توجه به عصمت انبیاء، داود علیه السلام را از چنین خطایی مبرا دانسته‌اند و این اسرائیلیات را از افسانه‌های خرافی می‌خوانند.



زمخشری در این باره می‌گوید: یکی از ویژگی‌های زمان داود علیه السلام آن بود که هرگاه مردی از همسر مرد دیگری خوشش می‌آمد و به او علاقه پیدا می‌کرد، از آن مرد تقاضا می‌کرد تا همسرش را به خاطر وی ترک کند و او نیز چنین می‌کرد و در میان آن‌ها چنین مواسات و برادری رواج داشت (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷ ق: ۴/۸۰).

بر این اساس داستان حضرت داود علیه السلام به این قرار است که روزی به طور اتفاقی چشم داود علیه السلام به همسر مردی که اوریاه نام داشت افتاد و محبت آن زن به دل او نشست، پس از اوریاه تقاضا کرد، همسرش را به خاطر وی ترک کند و اوریاه نیز شرمش آمد، تقاضای داود علیه السلام را رد کند، پس درخواست وی را اجابت کرد و داود علیه السلام نیز همسر اوریاه را به ترویج خود درآورد و آن زن مادر سلیمان بود؛ اما به داود علیه السلام خطاب شد، تو با این مقام و شأن والا و همسران بسیاری که داری شایسته نبود تا از مردی که تنها همین زن را داشت، چنین تقاضایی نمایی، بلکه می‌بایست بر هوای نفس خود غلبه نمایی و صبر پیشه سازی، پس داود علیه السلام از درگاه خداوند متعال طلب عفو و بخشش کرد (همان: ۴/۸۰).

با توجه به مطالب گفته شده، معلوم گردید که پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام: به کلی این داستان را خرافی و باطل دانسته‌اند و ارتکاب آن گناه را از ساحت مقدس حضرت داود علیه السلام دور دانسته‌اند؛ اما برخی مفسران اهل سنت تنها به ذکر روایاتی از اسرائیلیات پرداخته و هیچ نقدی بر آن روایات وارد نکرده‌اند و چه بسا سکوت آن‌ها در مقابل آن روایات نشانه قبول آن‌ها باشد.

علاوه بر مطالب بیان شده که اثبات گردید، تهمت‌های ناروا برگرفته از کتب پیشینیان است که منابع ناب نبوی و علوی از این گونه تهمت بر انبیا: میراست.

ج) اسرائیلی بودن افسانه ازدواج حضرت داود علیه السلام

باید به این حقیقت اذعان نمود که داستان زندگانی پیامبر عظیم‌الشأن الهی همچون حضرت داود علیه السلام از گزند تحریفات و اسرائیلیات در امان نمانده است و این خرافات و اسرائیلیات باعث شده است، مسلمانان نیز درباره آن اظهار نظر نموده و دیدگاه‌های مختلف ارائه دهند؛ اما قرآن کریم و معارف ناب معصومین علیهم السلام از تهمت‌های ناروا به ساحت مقدس انبیاء علیهم السلام میرا و مصون بوده و این افسانه‌های دروغین را بر نمی‌تابد.

به نظر می‌رسد سرمنشأ و منبع اصلی تهمت به ساحت مقدس حضرت داود علیه السلام در تورات کنونی به صراحت آمده و بعد از آن در برخی متون مسلمانان راه یافته است.

در کتاب دوم سموئیل آمده است: داود در وقت عصر به پشت بام خانه رفت و زن زیبا و نیکومنظری

را دید و بعد از پرس و جو فهمید که او بت شبع همسر اوریاہ حتی است؛ بنابراین با او هم‌بستر شد و همسرش را با مکر و حیله به خط مقدم جنگ فرستاد تا کشته شود (کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب سموئیل دوم، ۱/۱۱-۲۷).

در فراز دیگر آمده است:

«در بامداد روز بعد داود نامه‌ای را برای یوآب در خط مقدم نوشته و به دست اوریاہ فرستاد و در نامه نوشته بود، اوریاہ را مأموریت‌های خطرناک بدهید و او را تنها بگذارید تا کشته شود، یوآب نیز همین کار را کرد؛ و اوریاہ کشته شد و خبر کشته شدنش به داود رسید؛ و چون زنش شنید که شوهرش مرده است، برای شوهر خود ماتم گرفت و چون ایام ماتم گذشت، داود او را به خانه آورد و همسرش شد و پسری به دنیا آورد؛ اما کاری که داود کرده بود، از نظر خداوند ناپسند بود.» (همان)

این بود فرازهای از تورات که در آن به صراحت تهمت‌های همچون: نگاه به زن نامحرم، تهمت قتل (با نیرنگ روانه میدان جنگ کردن اوریاہ حتی و کشته شدن او)، تهمت زنا (هم‌بستر شدن با زن اوریاہ) به حضرت داود علیه السلام نسبت داده شده است که دامن انسان‌های مؤمن و موحد از این‌گونه تهمت‌ها پاک و مصون است، چه برسد به شخص حضرت داود علیه السلام که پیامبر خدا و الگو و اسوه مؤمنان موحد است. در کتاب مقدس، داود به‌عنوان پادشاه معرفی می‌شود، نه پیامبر و گناهان و کارهای ناشایستی نیز از او سرزده است. از جمله: عدم پیروی کامل از یهوه (خداوند)، دروغ گفتن، غارت‌گری، رقص و پای‌کوبی (کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب سموئیل دوم).

۴ - ارتباط آموزش حضرت داود علیه السلام در قرآن با افسانه ازدواج او

نویسنده مقاله سعی دارد، استغفار و به سجده افتادن حضرت داود علیه السلام در قرآن کریم را با داستان ازدواج او مرتبط بدانند. او گفته است: «مفسران، بخشایش الهی در سوره صاد را به قصه کتاب مقدس درباره بت‌شعب و اوریاہ مربوط دانسته‌اند» (Isaac Hasson, David, Encyclopaedia of the Quran, ۲۰۰۱, vol. ۱, p. ۴۹۶).

در بخش دیگر مقاله نوشته است: «در نقل و قول‌های دیگر این داستان گفته‌اند، بت‌شعب طلاق گرفت یا بیوه بود و اوریاہ یک لحظه زنده شده بود تا به داود بگوید که او را بخشیده است، نه به خاطر این که او را روانه مرگ کرده است، بلکه به خاطر این که با بیوه او ازدواج کرده است. خداوند داود را مورد بخشش خود قرار داده است.» (Ibid).

مک دونالد، خاورشناس دیگری است که در دایرة المعارف اسلام علت امتحان و فتنه

(temptation) داود در آیه ۲۰ سوره ص را مربوط به ازدواج افسانه ای او دانسته است.

(D. B. Macdonald, The Encyclopaedia of Islam, vol.۲, p.۱۸۲.)

نقد و بررسی

الف) اسرائیلی بودن داستان ازدواج

چنانچه بیان گردید، داستان ازدواج حضرت داود علیه السلام و تهمت های ناروا به آن حضرت جزو اسرائیلیات است که در برخی متون مسلمانان نیز راه یافته است و هیچ منبع اصیل اسلامی این افسانه جعلی را برنمی تابد.

ب) بی ارتباطی آموزش حضرت داود علیه السلام با افسانه ازدواج

طلب استغفار و به سجده افتادن حضرت داود علیه السلام که مورد آموزش خداوند قرار گرفت، هیچ ارتباطی با داستان جعلی و افسانه ای ازدواج ایشان ندارد و حرف بی دلیل و بی اساسی است، بلکه طبق تصریح آیات قرآن کریم، طلب آموزش حضرت داود به دلیل امتحان و آزمایش آن حضرت در امر قضاوت بوده است.

داستان امر قضاوت حضرت داود علیه السلام در آیات ۲۰ تا ۲۶ سوره مبارکه صاد آمده است؛ بعد از اینکه ایشان فهمید در امر قضاوت خداوند او را مورد امتحان قرار داده است، به سجده افتاد و استغفار نمود: ﴿وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ﴾ (ص/۲۴)؛ «داود دانست که ما او را (با این ماجرا) آزموده ایم، از این رو از پروردگارش طلب آموزش نمود و به سجده افتاد و توبه کرد.»

بررسی و تحلیل داستان قضاوت حضرت داود علیه السلام در قرآن

داستان قضاوت حضرت داود علیه السلام و طلب آموزش و به سجده افتادن او معرکه آراء مفسران و مترجمان گشته است؛ اما در مکتب تفسیری اهل بیت علیهم السلام چون تمام انبیا به طور مطلق معصوم هستند و هیچ خطایی از آن ها سر نزده است، طبق این مبانی در آیات مرتبط با انبیا: در قرآن کریم که آیات متشابه هستند، باید تفسیر از آن آیات به گونه ای ارائه گردد که عصمت انبیا خدشه دار نگردد یا به عبارت دیگر هر تفسیر و یا ترجمه ای از آیات که عصمت انبیا را زیر سؤال ببرد، مطرود است. از میان دیدگاه مفسران، بهترین تفسیری که از این آیات (امر قضاوت حضرت داود علیه السلام) بیان شده و با محتوا و سیاق آیات نیز سازگار است، بسنده می کنیم.

«حضرت داود علیه السلام شکی نداشت که به درستی قضاوت کرده است؛ اما وقتی دید متخاصمین بدون این که با هم گفتگو کنند یا آنکه، آن طرفی که ظالم شناخته شده، از خودش دفاع کند، فوراً برخاستند و



رفتند. حضرت داود علیه السلام متوجه شد و گفت: چرا طرف مقابل از خود دفاع نکرد و این که داود علیه السلام باید بر اساس حکم قضاوت باید از طرفین دعوا جویا می شده که جویا نشده، از این رو خودش گفت: خدا خواسته مرا آزمایش کند، از خدا طلب آموزش کرد و بلافاصله با تضرع و خشوع به سجده افتاد.» (نجفی خمینی، تفسیر آسان، ۱۳۹۸ ش: ۲۵/۱۷).

حضرت داود علیه السلام از خداوند دانا خواست تا مقام قضاوت را به خوبی به آن حضرت تعلیم دهد که مطابق با واقع باشد تا هر صاحب حقی به حق خویش برسد. خدای سبحان به آن حضرت مقام فصل الخطابی عطا فرمود: داود علیه السلام گفت: خداوند به راستی مردم این را تحمل ندارند که بنگرند هر صاحب حقی به گونه ای به حق خود برسد که نزد تو صاحب حق باشد. از این رو مقام فصل الخطابی را از من بگیر تا اینکه من بر اساس شیوه و راه معلوم (ارائه بینه از جانب مدعی و سوگند از جانب مدعی علیه) میان مردم داوری کنم. برای امتحان داود همان روز دو نفر را مأمور به مخاصمه کردیم که دعوی خود را نزد داود علیه السلام ببرند، وقتی بر داود علیه السلام وارد شدند. او ترسید، چون از راه طبیعی وارد نشده بودند؛ اما داود علیه السلام وقتی جریان آن دو را شنید، بدون این که سخن مدعی علیه را بشنود، فقط سخن مدعی را شنیده بود و بر اساس گفته او قضاوت کرد. هر چند قضاوت وی درست بود، در اینجا داود علیه السلام از مقام فصل الخطابی بهره برد، بعد متوجه شد که مقام فصل الخطابی که خداوند به وی عطا فرموده است، بدون حکمت نبوده است. تنها عملی که شاید به نظر برخی افراد خطای داود بوده باشد، این است که از مدعی علیه قضیه را جویا نشده که آیا سخنانی که مدعی می گوید صحیح است یا ناصحیح؟ بلافاصله داود علیه السلام پی برد که خداوند در این ماجرا خواسته او را آزمایش کند. داود علیه السلام از درگاه خداوند طلب عفو و بخشش نمود و خداوند او را بخشید، پس داود نبی علیه السلام در این ماجرا هیچ خطایی مرتکب نشده است. برای تأکید این مطلب همین بس که خداوند در ادامه می فرماید: ما مقام خلیفة الأرضی و داوری را به داود بخشیدیم و وی را آمرزیدیم (همان: ۲۷/۱۷).

اگر به موضوع و سیاق آیات مورد نظر توجه شود، این تفسیر به دلایل زیر قابل قبول است.

نخست این که: به صراحت قرآن کریم، خداوند به او مقام فصل الخطابی عطا نموده بود و بعد از آن داستان آزمون قضاوت اتفاق افتاده است: ﴿وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضْلَ الْخِطَابِ... وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخُضُمِ﴾ (ص/۲۱-۲۰)؛ مقام فصل الخطابی از موهبت های ویژه خداوند بوده است. «فصل الخطاب» هم سخن کسی است که همه جوانب دعوی را بسنجد و سپس حکم کند تا هرگونه اضطرابی را سامان بخشیده، بین حق و باطل حاجزی ایجاد کند (جوادی آملی، سیره پیامبران در قرآن ۱۳۸۹ ش: ۲۴۴/۷)؛

بنابراین بعد از اعطای همچون مقامی، غیرممکن است که در قضاوت خطا کند.

دوم. با وجود این که از خداوند درخواست می نماید که فصل الخطابی عمل ننماید و مردم تحمل این گونه قضاوت را ندارند. از سیاق آیات استفاده می شود که در این مورد از قضاوت، فصل الخطابی عمل نموده است. چون در محراب عبادت بود و نمی خواست امر قضاوت را طولانی نموده و رابطه با محبوب خود را قطع کند. «إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ» و عدم پرسش و مطالبه از طرف مدعی علیه مؤید این مطلب است.

سوم، استغفار داود مربوط به امتحان الهی است، چون آیه تصریح ندارد که بعد از قضاوت اشتباه، استغفار نموده باشد. بلکه بیان می کند، بعد از اینکه فهمید، خداوند او را امتحان نموده، طلب آمرزش نموده است. ﴿ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ﴾ (ص/۲۴).

چهارم، به نظر می رسد، در این امر قضاوت حکم جزمی و قطعی صادر نشده است، بلکه حکم تعلیقی نموده است و این خلاف موازین قضاوت نیست؛ یعنی چنانچه حضرت داود علیه السلام، بی آنکه در آن مورد حکمی قطعی بدهد، به شاکی گفته باشد: «اگر واقع آن گونه است که تو می گویی، او به تو ظلم کرده است» این امر، آسیبی به عصمت و عدالت وی نمی رساند (جوادی آملی، سیره پیامبران در قرآن، ۱۳۸۹ ش: ۲۴۴/۷).

در بخش پایانی به برخی خصوصیات حضرت داود علیه السلام در قرآن کریم اشاره می شود تا روشن گردد، نه تنها مطالب قرآن کریم درباره این پیامبر الهی سربسته و مبهم نیست، بلکه بیانگر این حقیقت است که سیره، رفتار و کردار آن بزرگوار به گونه ای بوده است که شایسته و سزاوار عطایا و موهبت ویژه الهی شده است.

۵ - سیره عملی حضرت داود علیه السلام در قرآن

در این نوشتار به نمونه هایی از سیره عملی حضرت داود علیه السلام بر اساس آیات قرآن کریم پرداخته می شود که نشان از پاکی و طهارت آن جناب بوده و او را شایسته مقام نبوت کرده است.

الف) مقام عبودیت حضرت داود علیه السلام

سرآمد همه مقامات معنوی، مقام عبودیت است. خداوند متعال حضرت داود علیه السلام را به مقام عبودیت و بندگی توصیف می کند و در حقیقت نخستین ویژگی او را همین مقام عبودیتش می شمرد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه: ۱۹/۲۴۱). هم از او به عنوان اسوه و الگو در عبودیت یاد می نماید ﴿وَإِذْ كَرَّمْنَا دَاوُدَ﴾ (ص/۱۷)؛ هم به عنوان بهترین عبد و بنده ﴿نِعْمَ الْعَبْدُ﴾ (ص/۳۰).



ب) اهل بازگشت به سوی خدا (اَوَاب)

بعد از مقام عبودیت، دومین سیره حضرت داود علیه السلام رجوع به سوی خداست. در دو جای قرآن کریم از او به عنوان «اَوَاب» یاد نموده است: ﴿وَ اذْکُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْاَیْدِ اِنَّهُ اَوَابٌ﴾ (ص/۱۷)؛ «و به خاطر بیایور بنده ما داود صاحب قدرت را که او بسیار توبه کننده بود.» هم چنین بنگرید به (ص/۳۰) چون او مظهر خداوند در صفت «اَوَاب» بود. موجودات دیگر از این جهت مطیع و فرمان بردار او و بازگشت کننده به سوی او بودند: ﴿وَ الطَّیْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُ اَوَابٌ﴾ (ص/۱۹)؛ پرندگان را نیز دسته جمعی مسخر او کردیم (تا همراه او تسبیح خدا گویند)؛ و همه این ها بازگشت کننده به سوی او بودند.؛ بنابراین هم او همواره رجوع کننده به سوی خدا بود و خداوند متان هم در آخرت مقام «حسن مآب» بدو بخشیده است: ﴿وَ اِنَّ لَّهُ عِنْدَنَا لَکَرْنٰی وَ حَسَنَ مَآبٍ﴾ (ص/۲۵)؛ «او او نزد ما دارای مقامی والا و سرانجامی نیکوست.» آیت الله جوادی آملی در معنای «اَوَاب» فرمودند: «گاهی انسان معصیت می کند و سپس به سمت خداوند برمی گردد که بدان «توبه» مصطلح می گویند و گاهی بدون معصیت، به خداوند رجوع می کند و بدون ارتکاب گناه، توبه و استغفار می کند. استغفار و توبه گروه اخیر برای دفع معصیت است، نه رفع آن؛ یعنی برای این است که شیطان به درون آن ها راه نیابد، نه شیطان آمده را طرد کند. حضرت داود علیه السلام از این خصیصه برخوردار بود (جوادی آملی، سیره پیامبران در قرآن، ۱۳۸۹ش: ۲۴۰/۷).

ج) اهل جهاد و مقاومت

سومین سیره عملی حضرت داود علیه السلام این بود که او اهل جهاد، دفاع و مقاومت بود، نه اهل تسلیم و سازش. داستان زره بافی او برای مقاومت در مقابل دشمنان که خداوند بدو تعلیم داده بود: «و ساختن زره را به خاطر شما به او تعلیم دادیم تا شما را در جنگ های تان حفظ کند» (انبیاء/۸۰)؛ و کشتن جالوت سردمدار کفر در دوران نوجوانی بیانگر سیره مقاومت و جهاد آن حضرت است. اسوه و الگو بودن در شکر گذاری: ﴿اغْمُلُوا آلَ دَاوُدَ شُکْرًا﴾ (سبأ/۱۳)؛ صبر و بردباری: ﴿اضْبِرْ عَلٰی مَا یَقُولُوْنَ وَ اذْکُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ﴾ (ص/۱۷)؛ و ساده زیست بودن (سید رضی، نهج البلاغه، ۱۳۷۵: خطبه ۱۶۰) و بسیاری صفات برجسته دیگر که در سیره عملی آن حضرت وجود داشته است.

۶ - عطایای ویژه الهی به حضرت داود ۷ در قرآن

در برابر ویژگی های برجسته ای که حضرت داود علیه السلام از خود نشان داد، او را شایسته و سزاوار مقامات و عطایای ویژه الهی نمود. مهمترین عطایای الهی این بود که او همانند انبیای دیگر به موهبت نبوت (نساء/۱۶۳)؛ و مقام خلیفه الهی (ص/۲۶)؛ بار یافت. خداوند متعال با عطای «زبور» او را بر



برخی دیگر انبیاء فضیلت داد: ﴿لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا﴾ (اسراء/۵۵)؛ «ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم؛ و به داوود، زبور بخشیدیم.»

مقام خلیفة الهی بالاترین مقامی است که به یک انسان اعطا می‌گردد و خداوند متعال بهتر می‌داند، این رسالت را به چه کسی عطا نماید: ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾ (انعام/۱۲۴)؛ «خداوند آگاه‌تر است که رسالت خویش را کجا قرار دهد!»؛ بنابراین کسی که به این مقام برسد، انسان کامل است؛ و انسان کامل هم مظهر اسماء و صفات الهی است و می‌تواند هم در نظام تشریح و هم در نظام تکوین به اذن الهی خلیفه خداوند باشد. برای همین حضرت داود علیه السلام هم در نظام تشریح مظهر خداوند است که باید میان مردم به حق داوری نماید: ﴿فَأَحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾ (ص/۲۶)؛ و هم در نظام تکوین موجودات تابع فرمان او هستند؛ بنابراین تسخیر کوه‌ها به وسیله آن حضرت (ص/۱۸)؛ و رجوع و مطاع بودن پرندگان به سوی آن حضرت در امر ستایش خداوند (ص/۱۹)؛ علم منطق الطیر (نمل/۱۶)؛ و نرم شدن آهن به دست آن حضرت در سایه مقام خلیفة الهی معنا پیدا می‌کند: ﴿يَا جِبَالُ أَوْبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلْتَأْتِيهِ الْخُذْيِدُ﴾ (سبأ/۱۰)؛ «ای کوه‌ها و ای پرندگان! با او هم‌آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گوید و آهن را برای او نرم کردیم.»

یکی از شئون مقام نبوت و خلافت، قضاوت و حکم به حق میان مردم است. بالاترین شأن در قضاوت و حکمرانی مقام «فصل الخطاب» است که خداوند به حضرت داود عطا نموده است: ﴿آتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضْلَ الْخِطَابِ﴾ (ص/۲۰)؛ «(هم) دانش به او دادیم و (هم) داوری عادلانه» که میان مردم به حق داوری نماید. «فصل الخطاب» به معنای آن است که انسان قدرت تجزیه و تحلیل یک کلام را داشته باشد و بتواند آن را تفکیک کرده و حق آن را از باطلش جدا کند؛ و این معنا با قضاوت صحیح در بین دو نفر متخصص نیز منطبق است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰ق: ۱۹۱/۱۷).

یکی از شئون و مقام حضرت داود علیه السلام این بود که کوه‌ها و پرندگان مطیع و مستخر فرمان حضرت داود علیه السلام بودند. آن گونه که آن حضرت بخواهد تسبیح خدا گویند؛ و هیچ لذتی بالاتر از این نیست که انسان صدای محبوب را از همه عالم بشنود. چه لذتی بالاتر از لذتی است که نصیب حضرت داود علیه السلام و شاگردان او شده است. هیچ ممکن نیست که انسان لذت شنیدن یاد و تسبیح حق را از زبان دیگر موجودات بچشد و بتواند آن را تحمل کند، آنگاه دیگر لذایذ زودگذر را که حیوانات هم از آن بهره‌مندند، لذت بداند (جوادی آملی، سیره پیامبران در قرآن، ۱۳۸۹ ش: ۲۵۲/۷).



نتیجه

- ۱- کتاب مقدس تورات، حضرت داود علیه السلام را به عنوان پادشاه و یک انسان عادی معرفی می نماید؛ درحالی که قرآن کریم آن حضرت را یکی از پیامبران بزرگ الهی می داند و از عطای ویژه الهی از جمله مقام خلیفه اللهی و از داشتن کتاب آسمانی به نام «زبور» یاد می کند.
- ۲- نویسنده مقاله اشاره سربسته قرآن را عامل ورود افسانه ها می داند؛ اما برخلاف تصور نویسنده، قرآن کریم کتاب قصه و داستان نیست که به جزئیات کامل داستان های حضرت داود علیه السلام بپردازد. بلکه کتاب هدایت و انسان ساز است که به اصول و کلیات معارف پرداخته، شرح و توضیح و بیان جزئیات را بر عهده سنت گذاشته است. علاوه بر بیان کلیات در برخی موارد که لازم بوده به مقدار نیاز به جزئیات نیز تصریح کرده است.
- ۳- مفسران فریقین درباره داستان ازدواج حضرت داود علیه السلام دیدگاه متفاوتی ارائه کرده اند: برخی مفسران اهل سنت افسانه ازدواج آن حضرت را پذیرفته و درصدد توجیه آن برآمده اند؛ اما اکثر مفسران شیعه ساحت مقدس حضرت داود علیه السلام را از تهمت های ناروا منزّه و مبرا می دانند. در این نوشتار روشن گردید که سرمنشأ تهمت های ناروا و افسانه ازدواج حضرت داود علیه السلام جزو اسرائیلیات بوده و به صراحت در تورات کنونی آمده است.
- ۴- استغفار حضرت داود علیه السلام در قرآن به افسانه ازدواج او نسبت داده شده است؛ اما آنچه در قرآن کریم درباره استغفار حضرت داود علیه السلام بیان شده است، مربوط به امتحان و ابتلای الهی بوده است و در امر قضاوت که مقام «فصل الخطابی» بدو عطا شده است، هیچ گونه خطایی از او سر نزده است.



منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمد مهدی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران: ۱۴۱۸ق.
۲. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، دارالکتب العربی، بیروت: ۱۹۸۷م/۱۴۰۷ق.
۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین، عیون اخبار الرضا، مؤسسه العلمی المطبوعات، لبنان: ۱۴۰۴ق.
۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، محقق: حجت السلام سعید بند علی، اسراء، چاپ سوم، قم: ۱۳۸۹ش.
۵. _____، سیره پیامبران در قرآن، محقق: علی اسلامی، اسراء، قم: چاپ پنجم، ۱۳۸۹ش.
۶. رضایی، حسن رضا، «موضوعات و بایسته‌های پژوهش در حوزه قرآن و مستشرقان»، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، دوره ۴، ش ۶، ۱۳۸۸ش.
۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «بررسی دیدگاه خاورشنان درباره تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه»، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۸، ۱۳۸۹ش.
۸. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقایق غوامص التنزیل، دارالکتب العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۹. سبحانی، جعفر، تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، تنظیم و نگارش: سیدهادی خسروشاهی، انتشارات توحید، قم: ۱۳۹۵ش.
۱۰. سعیدی روشن، محمدباقر، علوم قرآنی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۹ش.
۱۱. سید رضی، نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، مؤسسه انتشارات مشهور، قم: ۱۳۷۵ش.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، لبنان-بیروت: چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن الکریم، ترجمه: علی کریمی، وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران: ۱۳۸۰ش.
۱۴. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت:



۱۴۱۲ق.

۱۵. عالم‌زاده، هادی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرةالمعارف اسلامی، تهران:

۱۳۶۳ش.

۱۶. کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، ترجمه: فاضل خان همدانی، به همت انجمن

پخش کتب مقدسه در میان ملل، بی‌جا: ۱۹۹۰م.

۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفا ناشر الاسلامیه، بیروت: ۱۳۹۷ش.

۱۸. محمدی، محمدحسین؛ فاضلی، محمدتقی، «نقد مقاله اسطوره‌ها و قصه‌ها در قرآن»،

مجله قرآن‌پژوهی خاورشناسان، دوره ۱۵، ش ۲۹، ۱۳۹۹ش.

۱۹. معرفت، محمدهادی، تفسیر موضوعی قرآن (تنزیه الانبیاء)، انتشارات نبوغ، بی‌جا:

۱۳۷۴ش.

۲۰. _____، قرآن و فرهنگ زمانه، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم: ۱۳۹۰ش.

۲۱. _____، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، مترجمان، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم:

۱۳۸۸ش.

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۸۶ش.

۲۳. موسوی، علی بن حسن، تنزیه الانبیاء، دارالضواء، بیروت: ۱۴۰۹ق.

۲۴. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه: حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و

مذاهب، قم: ۱۳۸۱ش.

۲۵. نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۹۸ش.

۲۶. نیورث، آنجلیکا، دایرةالمعارف قرآن، سرویراستار: جین دمن مک اولیوف، حکمت،

تهران: ۱۳۹۲ش.



Resources

۱. The Holy Quran, Translated by Fooladvand, Muhammad Mehdi, The Office of Islamic History and Studies, Tehran: ۱۴۱۸ AH.
۲. Alamzadeh, Hadi, The Great Islamic Encyclopedia, Islamic Encyclopedia Center, Tehran: ۱۹۸۴.
۳. Bible (Old Testament and New Testament), Translated by Fadhil Khan Hamadani, By the Association for the Distribution of Holy Books among the Nations, N.p.: ۱۹۹۰.
۴. D. B. Macdonald, The Encyclopaedia of Islam, ۱۹۹۱.
۵. Ibn Athir, Izz al-Din, Al-Kamil Fi Al-Tarikh (The Complete History), Dar Al-Kutub Al-Arabi, Beirut: ۱۹۸۷/۱۴۰۷.
۶. Ibn Babawayh Qomi, Muhammad bin Ali ibn Hossein, Uyun Akhbar Ar-Ridha (The Source of Traditions on Imam Ridha'), Muassasah al-Ilmi al-Matbua'at, Beirut, ۱۴۰۴ AH.
۷. Jane Dammen, McAuliffe, Encyclopaedia of the Quran, Volume One (A-D), Brill, Leiden-Boston-Koln, ۲۰۰۱.
۸. Javadi Amoli, Abdullah, Tasnim, Researched by Hujjat al-Islam Saeed Band Ali, Esra', Qom: ۳rd Edition, ۲۰۱۰.
۹. Javadi Amoli, The Conducts of the Prophets in the Quran, Researched by Ali Islami, Esra', Qom: ۵th Edition, ۲۰۱۰.
۱۰. Ma'refat, Muhammad Hadi, Critique of Doubts about the Holy Quran, Mutajiman & Al-Tamhid Publishing Cultural Institute, Qom: ۲۰۰۹.
۱۱. Ma'refat, Muhammad Hadi, Quran and the Culture of the Time, Al-Tamhid Publishing Cultural Institute, Qom: ۲۰۱۱.
۱۲. Ma'refat, Muhammad Hadi, Thematic Interpretation of the Quran, Nabogh Publications, N.p.: ۱۹۹۵.
۱۳. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar (Oceans of Lights), Muassasah al-Wafa Nashir al-Islamiyyah, Beirut: ۱۳۹۷ A.H.



۱۴. Makarem Shirazi, Naser, Tafsir Nemooneh (The Ideal Exegesis), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۲nd Edition, ۲۰۰۷.
۱۵. Michel, Thomas, Christian Theology, Translated by Hossein Tawfiqi, Center for the Study and Research for Religions and Denominations, Qom: ۲۰۰۲.
۱۶. Mousavi, Ali bin Hassan, Tanzih al-Anbiya' (The Infallibility of Prophets), Dar al-Dhuwa', Beirut: ۱۴۰۹ AH.
۱۷. Muhammadi, Muhammad Hussein; Fazeli, Muhammad Taqi, "Critique of Myths and Stories in the Quran", Journal of Oriental Studies, Volume ۱۵, Issue ۲۹, ۲۰۲۰.
۱۸. Najafi Khomeini, Muhammad Javad, Easy Interpretation, Islamiyyah Publications, Tehran, ۲۰۱۹.
۱۹. Newworth, Angelica, Quran Encyclopedia, Edited by Jane Daman McOlive, Hikmat, Tehran: ۲۰۱۳.
۲۰. Oliver Leaman, The Quran: An Encyclopedia, Edited, Routledge.
۲۱. Rezaei Esfahani, Muhammad Ali, "A Study of Orientalists' Perspectives on the Influence of the Culture of the Time on Quran", Journal of Oriental Studies, Quran, Vol. ۸, ۲۰۱۰.
۲۲. Rezaei, Hassan Reza, "Subjects and Requirements of Research in the Field of Quran and Orientalists", Journal of Oriental Studies, Volume ۴, Issue ۶, ۲۰۰۹.
۲۳. Saeed Roushan, Muhammad Baqir, Quranic Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: ۲nd Edition, ۲۰۰۰.
۲۴. Seyyed Razi, Nahj al-Balaghah, Translated by Muhammad Dashti, Mashhoor Publishing Institute, Qom: ۱۹۹۶.
۲۵. Sobhani, Jafar, Correct Interpretation of the Difficult Verses of the Quran, Edited and Compiled by Seyyed Hadi Khosroshahi, Tawhid Publications, Qom: ۲۰۱۶.
۲۶. Tabari, Abu Ja'far Muhammad bin Jarir, Jame' al-Bayan an Ta'wil Ayat al-Quran (A Comprehensive Statement in the Hermeneutic of the Quranic Verses), Dar al-Ma'rifah, Beirut: ۱۴۱۲ AH.



۲۷. Tabarsi, Fadhl bin Hassan, *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (A Collection of Expressions Concerning the Interpretation of Quran), Translated by Ali Karimi, Ministry of Culture and Guidance, Tehran: ۲۰۰۱.
۲۸. Tabatabai, Muhammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Muassasah al-A'lami lil Matbua'at, Lebanon - Beirut: ۲nd Edition, ۱۳۹۰ AH.
۲۹. Zamakhshari Jarullah, Mahmoud bin Umar, *Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamid al-Tanzil* (Discovering the Realities of the Ambiguities of the Revelation), Dar al-Kutub al-Arabi, Beirut: ۳rd Edition, ۱۴۰۷ AH.